



مقایسه تطبیقی رنج در دین اسلام و بودا

اسماعیل افخمی احمد آباد^۱

چکیده: مسأله رنج انسان از مسائلی است که در ادیان و مکاتب مختلف به آن پرداخته شده است. این پژوهش با تطبیق آیین بودا و دین اسلام به این نتیجه رسیده است که رهایی از رنج به عنوان هدف اساسی دین بودا است. پاسخی که بودا به چهار سوال تعریف رنج، منشأ، چیستی آن و راه پایان بخشیدن به آن می‌دهد، اساس روشن شدگی بودا را تشکیل داده و این همان چیزی است که بودا می‌خواهد با همه هموعان خود در میان بگذارد. در دین اسلام نیز به مسأله رنج انسان پرداخته شده و متکلمان اسلامی با توجه به آیات و روایات، علت رنج و هدف از رنج انسان را زمینه سازی برای تکامل انسان و در جهت آزمایش اوست. وجوه اشتراک آیین بودا و دین اسلام پذیرش رنج و مصیبت در زندگی انسان در این دنیا، خاستگاه رنج، امکان رهایی از رنج، اعتقاد به منجی برای رهایی از رنج و اعتقاد به امر مراقبه در هر دو آیین است. تفاوت نیز در مبدأ شناسی، انسان شناسی، نوع نگاه به تولد انسان، تکیه‌گاه انسان در برخورد با رنج‌ها و سختی‌ها است.

واژگان کلیدی: اسلام، بودا، رنج، شرور، نیروانا.

***تاریخ دریافت:** ۱۴۰۱/۸/۱۱

***تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

۱. فارغ التحصیل سطح ۳ کلام اسلامی، قم، ایران، asmailaf14@gmail.com

مقدمه

مهم‌ترین مسئله در آیین بودا مسئله رنج و راه‌هایی از رنج است و نیروانا نتیجه رها شدن از رنج است. در اسلام هم به این مسئله به عنوان یکی از مسائل پرداخته شده است و بهشت هم نتیجه رها شدن از رنج‌ها و آلام است. رنج در آیین بودا نتیجه نادانی و دل‌بستگی است. در اسلام نیز رنج و آلام گاهی جزای اعمال انسان است و گاهی این رنج برای بالا بردن درجه و مقام انسانی است. آیین بودا یک نگاه مادی و دنیایی به مسئله رنج داشته اما اسلام نگاهی فراتر از دنیای مادی به مسئله رنج دارد.

رنج واژه‌ای فارسی است که در لغت به معنای سختی، زحمت، لندوه و حزن، مشقت و کلفت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲۴۸)

روانشناسان این حالت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: رنج حالتی درونی و روانی است که در نتیجه مغلوب شدن و ناکام ماندن از رسیدن به هدف و به فرجام نرسیدن خواسته‌های انسان در او پدید می‌آید. تعبیری مانند فشار، ناکامی و رنج به‌منظور نشان دادن این حالت به کار می‌روند که تقریباً همه یک معنا را دارند)

نرمان، ۱۳۸۶، ۱، (۴۵۷).

در آیین بودا، دوگه به معنای رنج می‌باشد، دوگه اصطلاحی بودائی است که اغلب در زبان انگلیسی به (suffering) ترجمه می‌شود. دوگه را عموماً در سه اصطلاح آورده‌اند:

۱. رنج جسمی و روانی ظاهری که در ارتباط با تولد، پیری، بیماری و مرگ است.

۲. اضطراب و فشار عصبی ناشی از تلاش برای حفظ چیزهایی که دائماً در حال تغییرند.

۳. ناخشنودی بنیادینی که بر همه اشکال هستی مستولی است؛ زیرا همه اشکال زندگی در حال تغییرند، ناپایدارند و بدون هسته باطنی یا بدون ذات هستند.

در باب معنای رنج بیشتر بحث‌ها در اسلام حول مسئله شرور مطرح می‌شود. مراد از شرور حوادث و اتفاقاتی است که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارد و انسان را با چالش مواجهه می‌کند، حوادثی مانند سیل و زلزله قتل و بی‌اخلاقی، بیماری مرگ و... رنج، حالت برخاسته از این شرور است.

راغب اصفهانی می‌گوید: شر چیزی

است که همه از آن روی گردان هستند چنان که خیر چیزی است که همه خواهان آن هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۴۸). ابوعلی سینا می گوید: خیر فی الجملة چیزی است که هر شیی به آن اشتیاق دارد و آن وجود و یا کمال وجودی است... اما شر امر عدمی است که ذاتی ندارد بلکه جوهر یا عدم کمالی برای جوهر است. شر بر امور عدمیه اطلاق می شود از این رو که غیر مؤثر است مانند فقدان چیزی در شیی که شأنش وجدان آن چیز بوده مانند موت و فقر و جهل. همچنین شر بر امور وجودیه اطلاق می شود مانند چیزی که مانع کمال چیزی می شود مثل سرما که مانع رسیدن میوه درخت می شود (ابن سینا، ۱۳۷۵، ۳، ۳۲۰).

اما در قران کریم واژه ای که به طور مستقیم در معنای رنج به کار رفته است کلمه کبد است در معنای کبد گفته شده است: الکبد: المشقه، قال لقد خلقنا الانسان فی کبد: تنبیها علی ان الانسان خلقها الله تعالی علی حاله لا ینفک من الامشاق (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۴۲۰).

۱. رویکرد بودا در مسئله رنج

رویکرد بودا در مسئله رنج عمل گرایی و

مبتنی بر یک نظام اخلاقی است (تیواری، ۱۳۸۱، ۷۲). در این آیین به صورت عملی علت رنج را تشخیص داده و سپس به ارائه راه حل برای رهایی از رنج می پردازد.

این حقیقت که رنج و پریشانی وجود دارد و امری واقعی است، همه مکتب ها آن را به نوعی پذیرفته اند. لیکن بودا با یک نوعی بصیرت و آگاهی عمیق و شهودی خود دریافت که رنج و پریشانی انسان صرفاً اتفاقی نیست، بلکه به طور طبیعی در همه اشکال و در انواع تجربه ها وجود دارد و حتی چیزی که در ظاهر خوشی به نظر می رسد در باطن و در عمق، منبع و سرچشمه رنج است. ابن نتیجه گیری بودا که رنج و درد علت دارد از تحلیل او از مفهوم علت نتیجه می گیرد. او خاطر نشان می سازد که وجود هر چیز در جهان (چه ذهنی و چه عینی) معلول چیز دیگری است. هیچ چیز در جهان غیر مشروط و خودجوش و قایم به ذات نیست. به همین سبب هیچ چیز هم ثابت و دائمی و ماندنی نمی باشد و همه چیز در معرض دگرگونی قرار دارد. رنج و درد ما انسان ها هم مشمول همین حکم است، یعنی آن هم به سبب برخی از شرایط و علل ایجاد می گردد. علت رنج ما، تولد در این جهان است و

۱- ۱. چهار حقیقت شریف

چهار حقیقت شریف قلب آموزه‌های بودا است. بودا در طول عمرش این حقیقت را به مردم تعلیم داد. بودا با واقعیت رنج شروع می‌کند و این تجربه‌ای است که با پنج مرتاضی که قبلاً همراه او بودند، با آن‌ها در میان می‌گذارد. او هنگامی که از اولین حقیقت صحبت می‌کند روی خطابش با همه است. زائیده شدن رنج است پیری رنج است بیماری رنج است مرگ رنج است از چیزهای خوشایند دور بودن رنج است با چیزهای ناخوشایند محصور بودن رنج است به آرزو نرسیدن رنج است به سخن کوتاه هر پنج توده دل‌بستگی رنج است (ی‌لوکا، ۱۳۷۸، ۲۵/ گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۲۹). بر اساس فلسفه بودا، پایان یافتن رنج مرتبتی است که انسان می‌تواند در همین زمان و در همین جهان به آن دست یابد به شرط اینکه برخی از شرایط و زمینه‌ها مهیا گردد. هنگامی که فرد چهار مرحله تمرکز (تمرکز بر برهان و واریسی حقیقت، مراقبه بی‌کران صاف و آرام و بی‌نیاز از استدلال، رها شدن و دل‌کندن حتی از لذت و سرور ناشی از صلح و صفای درونی، رها شدن و به آرامش و سکون محض رسیدن و بی‌تفاوتی مطلق و

تولد نیز به سبب خواسته و عطش ما برای چیزهای دنیوی است. نیروی امیال و آرزوهایمان برای اشیای دنیوی ما را به‌سوی خود می‌کشاند؛ اما خواسته‌ها و امیال ما نهایتاً به جهل ما باز می‌گردد. اگر درباره اشیای دنیوی معرفتی درستی داشته و ماهیت گذرا و ناپایدار و رنج‌آور آن‌ها را می‌شناختیم، دیگر هرگز به‌سوی آن‌ها کششی نداشتیم. در این صورت، حرکت چرخه‌های متعدد متوقف گشته و در نتیجه رنج و پریشانی ما نیز به پایان می‌رسید. بر این اساس، وجود درد و رنج هم مثل هر چیز دیگر به علل و شرایط بستگی دارد. اگر این شرایط معدوم شود، معلول آن‌ها یعنی درد و رنج نیز متوقف می‌شود (چاندرا چارترجی، ۱۳۸۴، ۱۲۸ و ۱۲۹).

بودا کشف راه حل مسئله رنج را در چهار حقیقت جلیل بیان می‌کند و مراد او از رنج، نه فقط رنج شدید بلکه نیا سودگی، نومیدی، فشار روانی، اضطراب و احساس‌های ناخوشایند را هم شامل می‌شود. این رنج احساس ناراحتی از زندگی نیست بلکه خود زندگی می‌باشد و انسان تنها موجودی است که می‌تواند از طریق بینش روحی به نیروانا نائل گردد (رادا کریشنن، ۱۳۸۷، ۱، ۱۵۷).

کنترل کامل وجود خویش خالی از درد و لذت و هر چیز خوب و بد. (چاندرا چارترجی، ۱۳۸۴، ۲۸۸ تا ۲۹۰) را طی کند و بتواند مهار عواطف و امیال خود را به دست گیرد و به اندیشه و تدبیر دائم درباره حقیقت بپردازد دیگر اسیر و گرفتار نمی ماند (چاندرا چارترجی، ۱۳۸۴، ۲۸۸ تا ۲۹۰)

اولین حقیقت: شناخت حقیقت

رنج است. بودا نمی گوید که همه در حال رنج بردن هستند بلکه عقیده دارد که زندگی طبیعتاً مشکل و ناقص است. و این توصیفی خشک و ساده ولی واقع گرایانه است. در حقیقت هر که باشیم باید همه فراز و نشیب های زندگی را تجربه کنیم (چاندرا چارترجی، ۱۳۸۴، ۹۴). اولین حقیقت با این عبارت تمام می شود که هر پنج توده دل بستگی رنج است (بودا می گوید به تنهایی چیزی نیستیم جز پنج توده یعنی همه ما مجموعه مرکبی از ترکیبات هستیم این پنج توده عبارت اند از: کالبد، احساسات، ادراک، حالات جان و دانستگی) این پنج توده مقولاتی بودند که بودا به کاربرد تا هستی ما را به عنوان اشخاص تحلیل کند. بودا با اشاره به این پنج توده خاطرنشان می سازد که رنج

مشخصه موقعیت انسان است. رنج همان قدر طبیعی است که نفس کشیدن و خوردن طبیعی است. هیچ چیز شخصی در آن نیست چرا بچه بی گناه رنج می کشد؟ برای اینکه آن بچه متولد شده و رنج قسمتی از موقعیت انسان است، رنج به دنبال تولد می آید (ی لوکا، ۱۳۷۸، ۳۹)

دومین حقیقت: شناخت سبب و

علت رنج است. بودا در دومین حقیقت می گوید: این رنج سبب و علتی دارد، رنج انسان ها ریشه در میل و آرزو، اشتیاق و وابستگی است. اشتیاق ما انسان ها به بهره بردن نفس و جاودانه ساختن آن، سرچشمه و منشأ رنج است؛ زیرا از این امر غافل هستیم که اشتیاق ما سبب تولد دوباره می گردد. میل و آرز است که سبب درد و رنج می شود تنها آرزوی جسمانی و شهوات نیست بلکه این درد و رنج به علت اشتیاق و آرزوی تجدید تولد و یا میل به اشیای زیبا و یا یک زندگی سعادت آمیز ایجاد می شود (ویر، ۱۳۸۴، ۳۳۳).

سومین حقیقت: حقیقت رهایی از

رنج است. که عبارت است از میان رفتن و فرونشاندن کامل این تشنگی است، رها کردن و روی گرداندن از آن و آزادی از آن است. هر کس از رهروان و یا پیشوایان چه

درگذشته، حال و یا آینده، چیزهای شادی آور و لذت بخش در جهان را نپاینده و رنج آور بدانند، او کسی است که بر تشنگی چیره می شود (ی لوکا، ۱۳۷۸، ۴۶). در حقیقت، حقیقت سوم می خواهد بیان کند که تنها شناخت رنج و دانستن آن و میل به بقاء کافی نیست بلکه باید بر ریشه کن کردن درد و عذاب کوشید و در خود باید میل به زندگی کردن را از بین برد (ترابی، ۱۳۴۷، ۱۵۴).

چهارمین حقیقت راهی وجود دارد که می شود به این رنج ها پایان بخشید. بودا می گوید: ای رهروان، این حقیقت جلیل راه رهایی از رنج است، این راه، راه هشتگانه جلیل است که راستی و درستی در شناخت، در اندیشه، در گفتار، در کردار، در زیست، در کوشش، در آگاهی و در یکدلی درست است (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۴۱).

۲-۱. راه هشتگانه رهایی از رنج

راه هشتگانه که به راه میانه نیز شناخته می شود. راهی است که بودا بعد از طی دو مرحله از زندگی خود (که یک مرحله از آن سراسر خوشی و یک مرحله دیگر آن سراسر ریاضت بوده) به آن رسیده است.

شناخت درست: شناخت درست

فهم کامل اشیاست چنان که حقیقتاً هست. شناخت درست کل آموزه ها و اوج عمل بودائی است و راهنمای گام های دیگر است.

اندیشه درست: بودا اندیشه درست را اندیشه ی آزاد از کام و آز، اندیشه ی آزاد از بدخواهی و اندیشه بی آزاری می داند (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۶۹ و ۷۲). بودا می خواهد بگوید که ذهن خود را پاک نگه داشته و هر چیزی را که مانع پیشروی انسان می شود را رها کنید. مقصد و غایت دست یافتن به چیزهای عالی و خالص و اندیشیدن در مورد آن هاست (تیواری، ۷۷). گفتار درست: گفتار درست این نیست که شخص فقط دروغ نگوید بلکه گفتار درست غیبت و بدگویی و درشت گویی را هم در برمی گیرد (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۸۲ و ۸۳). کردار درست: کردار درست یعنی

رفتار روزمره ما مطابق با دستورهای بودا باشد. برای این منظور باید از سه بدی (کشتن، دزدی، زنا کردن یا رفتار نادرست جنسی دیگر) که مانع کردارهای درست می شود خودداری کرد (نیوانو، ۱۳۸۹، ۹۲).

زیست درست: زیست درست شامل

راه‌های صیانت نفس و تأمین خانواده است به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام از فرایض ده‌گانه (دستورهای ده‌گانه اخلاقی بودا) شکسته نشود. چیزی که زیست درست فرد را می‌سازد تا حد زیادی بستگی به تکامل و حساسیت‌های او دارد (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۸۹).

کوشش درست: بودا بر کوشش درست تأکید دارد چون در نظر او دریافت و بیش بستگی به چیزی دارد که به آن جامه عمل می‌پوشانیم (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۱۰۱ و ۱۰۲).

آگاهی درست: لازمه آگاهی دست آگاه بودن کامل از چیزی که در آن لحظه، چنان‌که هست رخ می‌دهد، بدون پیچیدگی‌های که ترس، بیزاری، میل و شوق به آن می‌افزاید (گرزالسکی، ۱۳۸۸، ۱۰۱).

یکدلی درست: یکدلی درست یا مراقبه درست یا مدیتیشن، یعنی عزم و اعتقاد داشتن به آموزه‌های بودا و پریشان نشدن از هیچ تغییر در اوضاع و احوال که این به ما می‌آموزد منظم‌اً به آموزه درست بودا عمل کنیم (نیوانو، ۱۳۸۹، ۹۳).

۳-۱. منشأ رنج و غایت رهایی از رنج

خاستگاه رنج تشنگی است که دوباره

زاییده شدن را پدید می‌آورد (پاشایی، ۱۳۸۳، ۲۶/پاشایی، ۱۳۹۳، ۱۰۷) و به خوشی و آسستگی دارد. سه تشنگی هست، تشنگی کام تشنگی هستی و تشنگی نیستی. تشنگی کام یا تشنگی حسی کام طلبیدن از حواس یعنی میل به لذت بردن از موضوعات پنج حس است. تشنگی هستی میل به زندگی مستمر یا جاوید است تشنگی نیستی، یا تشنگی نیستی خود، نظریه فربنده ماده اندیشانه درباره خود یا من کمابیش واقعی که به هنگام مرگ نیست و نابود می‌شود و بازمان بیش از مرگ و زمان پس از مرگ هیچ‌گونه ارتباطی ندارد. این تشنگی در جهان در هر جا که چیزهای شادی‌آور و لذت‌بخش وجود دارد، آنجا پیدا می‌شود و ریشه می‌گیرد.

هرگاه یک‌چیز خوشایند انسان باشد، انسان به‌سوی آن کشیده می‌شود و اگر ناخوشایند باشد از آن روی برمی‌گرداند. اگر چیزی که خوشایند او باشد و آن را بخواهد و به آن دل ببندد از این کارش شهوت نمایان می‌شود. ولی شهوت به احساس‌ها یعنی دل‌بستگی‌ها و به دل‌بستگی، جریان شدن، بسته است و به جریان شدن زاییده شدن در آینده بسته

است و با زاییده شدن پیری و مرگ، رنج، زاری، درد اندوه و نومیدی نمایان می شود (ی لوکا، ۱۳۷۸، ۳۹ تا ۴۱). پس ریشه تمام رنج انسانی در تولد دوباره است.

۴-۱. غایت رهایی از رنج:

غایت و هدف نهایی از رها شدن از رنج رسیدن به نیروانا است که شخص با رسیدن به نیروانا از چرخه سنساره و تولد دوباره نجات می یابد.

نیروانا: نیروانا هدف ممتاز و عالی آیین بودا است که رهرو بودائی با پیمودن راه هشتگانه ای که در پیش روی خود دارد به این مقام نائل می شود و از چرخه سنساره نجات می یابد؛ و مستلزم آن است که رهرو ابتدا به واقعیت حق، رسیده باشد (شایگان، ۱۳۸۹، ۱، ۱۶۶). اما در تفسیر این واژه و چیستی این واژه در بین محققین و خود بودائیان اختلاف نظر وجود دارد. علت این مسئله هم این است که بودا از پاسخ در مورد این مسئله خودداری می کرد و هرگونه تفسیری از نیروانا، مثبت و یا منفی نزد بودائیان کفر خواهد بود.

مفهوم نیروانا قبل از بودا نیز در آیین هندوها شناخته شده بود و تقریباً مشابه آیین بودا به معنای رهایی از چرخه تولد و مرگ را داشت. در آیین جین و ماهابهارتا

نیز نیروانا شرح داده شده است، با این تفاوت که در مکتب بودائی به عنوان هدف و غایت نهایی مطرح شده است (ویر، ۱۳۸۴، ۳۳۹).

چیستی نیروانا: نیروانا آرامش است. به ما یاد می دهد که می توانیم همه رنج های زندگی را کاملاً خاموش کنیم و بعد از خاموش کردن تمام پندارها به صلح و صفا و آرامش برسیم. راه رسیدن به این حالت این است که دو آموزه همه چیز نپاینده است و همه چیز خود نیست را بفهمیم. دلیل اینکه ما از انواع گوناگون رنج نگرانیم این است که ما از یاد می بریم که همه ی پدیده های این جهان نپاینده هستند و همه چیز دائماً بنا به قانون علت و معلول تغییر می کند، پدیده ها را می فریبد و ما تحت تأثیر ملاحظات سود و زیانِ حالیم. اگر ما راه بوداگی را مطالعه کنیم و با عمل کردن به آن حقیقت نپایندگی همه چیز را بفهمیم، توانایی آن را پیدا می کنیم که به حالت صلح و آرامش برسیم که در آن هرگز تحت تأثیر تغییر اوضاع و احوال قرار نمی گیریم این است حالت نیروانا که آرامش است (نیوانو، ۸۹). نیروانا به معنای حالتی هم هست که حاصل خاموش شدن همه پندارهاست و این معناست که در

آموزه‌های بودا به کار می‌رود. نیروانا در معنای حقیقی کلمه حالتی است که با نیستی کامل و تمام پندارها یافته می‌شود و نیز حالت هرگز وسوسه نشدن از آن‌ها در آینده است (نیوانو، ۱۳۸۹، ۸۹).

۵-۱. میتریه (منجی) در آیین بودا

نام میتریه برای نخستین بار در سوتره چکه‌وتی (سوتره شاه جهان) در کانون پالی آمده است و از همین منبع به متون مقدس همه سنت‌های بودائی راه یافته است. در این سوتره داستان زندگی انسان‌ها از گذشته‌های دور تا عصر حاضر و از عصر حاضر تا هزاران سال آینده را بیان می‌کند. در این سوتره بیان می‌کند که با گسترش نا عدالتی، رذایل اخلاقی پیدا می‌شود و ظهور هر رذیله اخلاقی در هر نسلی طول عمر نسل بعد را به نصف کاهش می‌دهد و از ظاهر طبیعی‌شان نیز کمالاتی را می‌کاهد. به این ترتیب، عمر انسان‌ها که ابتدا هشتاد هزار سال بود به دلیل بروز دزدی، قتل، بدگویی، انحرافات جنسی، سخنان بیهوده و... به مرور زمان کاهش یافت تا اینکه در عصر حاضر به صد سال رسید و ظاهر طبیعی مردم نیز افول کرد. سپس بودا پیش‌بینی می‌کند زمانی خواهد آمد که طول عمر فرزندان این مردم فقط ده

سال خواهد شد. در میان چنین مردمی رذایل اخلاقی فضیلت شمرده خواهد شد و به یکدیگر به عنوان طعمه نگاه خواهند کرد.. جنگ‌های نظامی با استفاده از سلاح‌های قدرتمندی که بشر می‌سازد هفت روز در جهان شعله‌ور خواهد شد. تا اینکه شخصی در میان چنین مردمی به فکر چاره می‌افتد و پیشنهاد می‌کند که دست از کشتن یکدیگر و نابودی مزارع بردارند و به جای غذاهای پلید مدتی از میوه‌ها و ریشه‌های گیاهان تغذیه نمایند، بدین ترتیب به مرور زمان انسان‌ها باکم کردن رذایل اخلاقی و رسیدگی به طبیعت، طول عمر هشتاد هزار ساله خود را بازیافته و ظاهر طبیعی‌شان نیز بهتر می‌شود. در آن زمان شاه جهانی عادل به نام سنکه بر چهار قاره‌ای که به چهار اقیانوس محدود است حکومت خواهد کرد (جعفری، ۱۳۹۰، ۶۳).

علل گرایش به میتریه در آیین بودا

۱: افول درمه که ریشه در سخنان خود بودا دارد که بودا پیش‌بینی کرده بود که روزی آموزه‌های بودا افول خواهد کرد و نیاز به انسان کاملی همانند خود بودا وجود دارد تا درمه را احیا کند.

۲: نفس حضور یک انسان به روشنی

رسیده که باعث انتقال فرادانش (فرادانش حکمتی است که از طریق آموزش به دست نمی آید بلکه باید از طریق علم حضوری و تجربه شهودی به دست می آید) به انسان های دیگر می شود که بدون وجود چنین فردی لنتقال فرادانش امکان پذیر نمی باشد و صرف عنایت باطنی او به مؤمنان باعث تسهیل امر نیروانا و انتقال فرادانش از قلب استاد به قلب شاگرد می شود.

۳: دغدغه آخرت گرایی، عالم پس از مرگ و آرزوی زندگی جاودانه، عقیده به موعودی به نام میتربه را قوت می بخشد و مؤمنان با اعتقاد به او می خواهند تا در بهشت او زاده شوند و به سعادت و زندگی جاودانه دست یابند (جعفری، ۱۳۹۰، ۱۴۱).

۳. منشأ رنج در اسلام

در هنگام مواجهه با رنج و بلاء سؤالی به ذهن انسان خطور می کند که آیا سبب این رنج خود انسان است و مستحق این رنج است یا خیر این رنج سببی دیگر داشته و او در به وجود آمدن این رنج دخالتی نداشته است و مستحق این نوع از رنج و عذاب نمی باشد. با مراجعه به رنج ها و شروری که به انسان می رسد، انسان متوجه می شود در

برخی از این رنج ها و شرور اراده و فعل او دخیل است و او مستحق این رنج بوده و عامل به وجود آمدن آن ها خود انسان می باشد اما در برخی دیگر اراده و خواست او دخیل نمی باشد و این رنج سببی غیرارادی داشته است و این رنج مشتمل بر نفع و یا دفع ضرر است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲، ۲۷۷).

منشأ غیرارادی: گاهی منشأ و سبب رنج غیرارادی است و انسان هیچ اراده ای در مبتلا شدن به این رنج نداشته و این رنج از جانب خداوند به انسان می رسد که این رنج بی حکمت نبوده و حکمت های داشته که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

منشأ ارادی و بشری: در عده ای از موارد که انسان دچار رنج و عذاب می شود علت این رنج و عذاب اعمال انسان است. خداوند در قران می فرماید: وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِیْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ (شوری، ۳۰)؛ و آنچه از رنج و مصائب به شما می رسد همه از دست (اعمال زشت) خود شماست.

وقتی انسان با اختیار خود عملی را انجام می دهد، این عمل او نتایجی را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال بی توجهی انسان در رانندگی و عدم رعایت

مقررات راهنمایی و رانندگی تصادف را در پی خواهد داشت که در این موارد خود انسان سبب این تصادف و عواقب بعدی آن خواهد بود، زیرا این تصادف حاصل سوء عمل خود اوست. گاهی نیز اعمال گذشتگان در این انسان و یا در نسل‌های بعدی تأثیر دارد، اعمال نسل‌های گذشته بدون تردید در زندگی انسان‌های فعلی تأثیر دارد. گاهی موارد نیز خود شخص عامل رنج و بلاء نمی‌باشد اما شخص دیگری عملی را انجام می‌دهد و لثر آن عمل بر افراد دیگر جامعه نیز تأثیرگذار هست، مانند تصادفی که در اثر کوتاهی شخصی به وجود می‌آید ولی دامنه آن افراد دیگری را نیز در برمی‌گیرد که در این تصادف هیچ نوع دخالتی نداشته‌اند. بسیاری از رنج‌ها و بلاهای طبیعی نیز از همین قسم می‌باشد همان‌گونه که آیات قرآن کریم نیز بر همین امر دلالت دارد. **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ** (روم، ۳۰). به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد.

نکته دیگر نقش انسان در برخی از بلاهای آسمانی و زمینی است با وجود اینکه این بلاها غیرارادی شمرده می‌شود با این حال بسیاری از اعمال ما هم در به

وجود آمدن این بلاها بی‌تأثیر نمی‌باشد به‌عنوان نمونه از بین بردن مسیر رودها به سبب تغییر کاربری آن‌ها و دخل و تصرفات انسان زمینه به وجود آمدن سیل است.

با توجه به مسائل و آیات و روایاتی که بیان شد منشاء ارادی و غیر ارادی در رنج‌ها کاملاً مشخص است؛ و عامل بسیاری از رنج‌های غیر ارادی، اراده سوء انسان است.

۳-۱. فلسفه و هدف از رنج و نوع نگرش اسلام به رنج

بلاها و مصیبت‌ها و رنج‌های ناشی از پدیده‌های طبیعی همچون سیل و طوفان و زلزله، بیماری‌ها، درد، رنج، مرگ، سختی‌های گوناگون و... مجموعه بزرگی از شرور را پدید می‌آورند که هر انسانی، کم‌وبیش، با آن دست به‌گریبان است. در نگاه نخست این‌گونه به نظر می‌آید که وجود این امور با حکمت الهی و غایت‌مندی آفرینش انسان سازگاری ندارد، زیرا غرض خداوند از خلقت آدمی تأمین مصالح و منافع آن‌هاست؛ حال آنکه، امور یاد شده همگی برخلاف مصالح انسان هستند و از این‌رو، با غایت خلقت بشر که همانا رساندن او به تکامل است تعارض دارد و نقض غرض است و با حکیم بودن خداوند سازگار نیست. برای پاسخ به این سؤال باید

دنبال پاسخ سؤال از فلسفه و غایات شرور بود.

بلاها و رنج‌ها زمینه تکامل انسان‌ها

عمده متالهان معتقدند که سعادت و کامروایی واقعی بدون درد و رنج برای انسان در این دنیا ممکن نیست. این دنیا نردبانی برای تکامل و رسیدن انسان به سعادت ابدی می‌باشد که با انجام دادن تکالیف الهی و اعمال نیکو و شایسته به تکامل می‌رسد. اما اگر این جهان، جهانی بود که در آن همه مردم بدون درد و رنج و در راحتی مطلق زندگی می‌کردند و خداوند خلقت انسان‌ها را مانند خلقت ملائکه قرار می‌داد که سراغ گناه نمی‌روند دیگر رشد و تکامل معنای نداشت؛ زیرا تا انسان مبتلا به سختی و رنج نشود صبر و بردباری در برابر مصائب و مشکلات پیدا نمی‌شود؛ و تا فقر و نیازمندی را نبیند روحیه کمک و از خودگذشتگی معنا پیدا نمی‌کند. پس به و جود آمدن این ملکات فاضله اخلاقی در انسان‌ها متوقف بر وجود سختی‌ها و رنج‌هاست (قدردان ملکی، ۱۳۸۸، ۱۷۷/ قدردان ملکی، ۱۳۹۱، ۹۲).

حوادث تلخ زنگ خطری برای انسان

حوادث تلخ از لحاظ حیات معنوی انسان‌ها نیز فواید مهم و قابل توجهی دارند که مهم‌ترین آن تنبه و به خود آمدن انسان‌ها

است. سرگرمی و دل‌بستگی به مظاهر حیات مادی موجب غفلت از ارزش‌های معنوی می‌گردد و هر چه میزان این دل‌بستگی افزایش یابد فاصله انسان از معنویت و سعادت حقیقی بیشتر می‌گردد. خداوند برای بیدار نمودن انسان از خواب غفلت و توجه دادن او به ارزش‌های متعالی از وسایط گوناگونی استفاده نموده است که یکی از آن‌ها حوادث تلخ و نامایمات می‌باشد، قرآن کریم در این باره چنین فرموده است: **وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ**. اعراف، ۹۴؛ و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند... و همچنین فرموده است: **وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَدْكَرُونَ**، اعراف، ۱۳۰؛ و در حقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم، باشد که عبرت گیرند.

بلاها و مصیبت‌ها زمینه آزمایش انسان‌ها

یکی از سنت‌های خداوند سنت ابتلا و آزمون است. خداوند در صحنه زندگی انسان‌ها را به روش‌های مختلف مورد آزمون و آزمایش قرار می‌دهد. لازم به ذکر

است که این آزمون همیشه با رنج و بلا نیست گاهی این آزمون از طریق رفاه و آسایش است. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ (بقره، ۱۵۵). ویژگی امتحان این است که استعدادهاي انسان را شکوفا و کمال‌هاي او را از قوه به فعلیت می‌رساند؛ آزمون‌ها به لحاظ گوناگونی استعدادها و کمال‌ها، متفاوت است. در ابتلای به سختی‌ها و کمبودها است که صابران و شاکران شناخته می‌شوند. تأکید این آیه شریفه و نظایر آن بر اینکه «ما حتماً شما را می‌آزماییم»، گواه آن است که هیچ‌کس راه فراری از امتحان الهی ندارد و همه مورد امتحان و آزمایش قرار خواهند گرفت؛ و لام و نون در لنبلوئکم برای بیان قطعیت بلا و ابتلای همه انسان‌ها است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۷، ۲۲۳۶).

مالکیت خداوند و در محضر خدا بودن

بر اساس دلایل عقلی و نقلی مالکیت خداوند از اصول مسلم خداشناسی است. ولی انسان به دلیل غفلت و انس با مادیات مالکیت خداوند را فراموش می‌کند، این رنج‌ها و آلام زمینه‌ای برای توجه مجدد انسان به مالکیت خداوند می‌گردد و همین توجه باعث آرامش و تسکین انسان

می‌شود. انسان با دو نگاه می‌تواند به مسائل و اتفاقات اطراف خود بنگرد یک نگاه مالکانه که شخص خود را مالک امکاناتی که در اختیارش هست می‌داند چنین شخصی در هنگام آسایش غافل از یاد خدا می‌باشد و هنگامی که رنج و مصیبتی به او برسد نالان و غمگین می‌شود و خود را متضرر می‌بیند. دیگری نگاه غیر مالکانه است که شخص خود را مالک امکاناتی که در دست اوست نمی‌داند و مالکیت ظاهری خودش را در مال و زن و فرزند فنا شدنی می‌داند. اگر شخصی این نوع نگاه را داشت در برخورد با مشکلات و مصائب متأثر و رنجور نمی‌شود زیرا رنج و ناراحتی در صورتی است که این شخص خود را مالک بداند. در قرآن هم صبر محصول این نوع نگاه دانسته شده است و کسانی که این نوع نگاه را دارند از صابران شمرده است. بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (بقره، آیه ۱۵۵ و ۱۵۶). البته این مصیبتی که در این آیه ذکر می‌شود شامل هر چیزی است که مؤمن به وسیله آن رنجور می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱، ۲۰۴). از سویی دیگر وقتی شخص به این نتیجه برسد که در همه لحظات زندگی، خداوند حضور دارد و

هیچ صحنه‌ای از زندگی از خداوند پنهان نیست و تمام رنج‌ها و غم‌ها ثبت و ضبط شده و در روز قیامت به نسبت رنج و سختی جزای آن‌ها داده خواهد شد، تحمل رنج‌ها و مصائب مشکل نخواهد بود. وقتی این نگاه حاکم باشد تحمل سختی‌ها و رنج‌ها آسان خواهد بود. نمونه این نوع نگاه در کلام امام حسین (ع) وجود دارد که هنگامی که طفل شیرخوارش به شهادت می‌رسد می‌گوید: هَوَّنَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ (سیدبن طاووس، ۱۳۴۸، ۱۱۷). آنچه اندوه و مصیبت را برایم آسان می‌کند این است که خدا می‌بیند.

تغییر نگرش و نگاه مثبت به رنج‌های زندگی و توجه به جزای رنج‌ها در نزد خداوند

با تغییر نگرش انسان نسبت به رنج‌های زندگی و توجه به جزای که خداوند در برابر این رنج‌ها و مصیبت‌ها می‌دهد، تحمل سختی‌ها بر انسان آسان می‌شود. متکلمان اسلامی نیز معتقدند که خداوند در مقابل این رنج‌ها که متوجه انسان می‌شود در این دنیا یا آخرت به‌لندازه‌ای جزاء به او دهد که جبران رنج‌ها او شود و این نظریه از آیات قرآن و روایات هم به دست می‌آید. خداوند متعال در قرآن کریم از کسانی که در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها صبر پیشه کرده و شکایتی نکرده‌اند، از آن‌ها به‌عنوان صابران

یادکرده و آن‌ها را وعده به پاداش داده است. خداوند می‌فرماید: إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر، ۱۰).

جاودانگی آخرت و گذرا بودن دنیا

توجه انسان به جاودانگی آخرت عاملی دیگری است برای تغییر نگاه انسان به مسائل پیرامون خود و عاملی برای تحمل مصائب و رنج‌ها است. انسان آگاه به مسائل با توجه به گذرا بودن دنیا و مصائبی که جزئی از زندگی است و با در نظر داشتن پاداش‌های بسیاری که خداوند در تحمل مصائب قرار داده در رویارویی با مشکلات صبور بوده. ابن ابی هلال کوفی می‌گوید که از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرماید: كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَ فَرَحًا طَوِيلًا، وَ كَمْ مِنْ لَذَّةٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا (طوسی، ۱۴۱۴، ۱۵۳).

پاک شدن از گناهان

از دیگر آثار جسمانی و روحانی بلاها و رنج‌ها این است که به‌واسطه این‌ها انسان از گناهان خود پاک شده. در روایات نیز از بلاء برای مؤمن به‌عنوان ابزاری برای سالم ماندن طاعات و سبک شدن مؤمن از گناهان یاد شده است. آیات و روایات نیز به این امر اشاره دارد. مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ (نساء، ۱۲۳). هرکسی که کار بدی انجام دهد جزای آن را خواهد دید. در ذیل این آیه

روایتی از امام باقر (ع) وجود دارد که می‌فرماید: لما نزلت هذه الآية «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» قال بعض أصحاب رسول الله ص: ما أشدها من آية، فقال لهم رسول الله ص: أ ما تبتلون في أموالكم و أنفسكم و ذرایکم قالوا: بلی قال: هذا مما یکتب الله لکم به الحسنات و یمحو به السيئات. وقتی این آیه نازل شد برخی از اصحاب پیامبر گفتند آیه‌ای از این سخت‌تر نیست. رسول خدا به آنان فرمود: آیا در اموالتان و جان‌ها و خانواده‌تان دچار مصیبت نمی‌شوید؟ گفتند بلی یا رسول الله. پیامبر فرمودند این همان چیزی است که خداوند به واسطه آن برای شما حسنه می‌نویسد و بدی‌ها را از شما دفع می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱، ۲۷۷)

۴. مقایسه اسلام و بودا ۱-۴. اشتراکات

هنگام مطالعه در ادیان و نوع نگرش ادیان مختلف در مسائل مختلف، بین نگرش و دیدگاه این ادیان می‌توان شباهت‌هایی پیدا کرد. در دین اسلام و بودا نیز در این مسئله مشترکاتی وجود دارد.

پذیرش رنج و مصیبت در زندگی انسان در این دنیا: دین اسلام و آیین بودا هر دو وجود رنج در زندگی انسان را پذیرفته

و همان‌گونه که در چهار حقیقت شریف بیان شد اولین حقیقت این است که زندگی پر از رنج است. در اسلام هم این مسئله پذیرفته شده که زندگی آمیخته با رنج است و قرآن کریم هم به این مسئله اشاره می‌کند. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (بلد، ۴). همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. در روایات هم به مسئله رنج‌ها و اینکه رنج در زندگی انسان‌ها وجود دارد پرداخته شده است.

خاستگاه رنج: خواستگاه رنج در آیین بودا وابستگی و دلبستگی است و اینکه انسان اعمال خود را از روی وابستگی و دلبستگی انجام می‌دهد، که این وابستگی و دلبستگی سبب به وجود آمدن رنج می‌شود. اگر انسان اعمال خود را از روی وابستگی و دلبستگی انجام ندهد از چرخه سنساره و تولد دوباره، که سبب رنج خواهد شد، نجات می‌یابد. در دین اسلام هم منشأ بسیاری از رنج‌های مادی و رنج‌های که خود انسان در آن دخیل است، وابستگی او به مظاهر مادی است و اگر این وابستگی به مظاهر مادی را نداشته باشد، دچار بسیاری از این رنج‌ها نخواهد داشت.

امکان رهایی از رنج: در هر دو آیین امکان رهایی از رنج وجود دارد. در آیین

بودا انسان با رسیدن به نیروی رنجها خلاصی می‌یابد و در دین اسلام انسان با اعمال خود در این دنیا، زمینه این را می‌سازد تا در آخرت زندگی بدور از رنجها و آلام داشته باشد.

اعتقاد به منجی برای رهایی از رنج: یکی از مشترکات هر دو آیین اعتقاد به منجی است که با آمدن او بسیاری از مشکلات و رنجها به پایان خواهد رسید و قبل از آمدن منجی زمین پر از ستمگری و جنگ و خونریزی و مشکلات اخلاقی است که با آمدن منجی این مسائل حل شده و زمین پر از عدل و داد خواهد شد.

۲-۴. تفاوتها

با توجه به نوع نگاه انسان به مسئله رنج، اعتقاد به وجود خدا، معاد و جهان بینی او؛ قضاوت انسانها در برابر مشکلات و رنجها تغییر فراوانی خواهد کرد. دین اسلام با نوع نگرش خود و آیین بودا نیز با نوع نگرش خاص خود درصدد رهایی انسان از رنج هستند.

اسلام با پذیرش رنج در زندگی انسان برای رهایی از رنج راه ویژه خود را بیان می‌کند که این راه ریشه در اعتقاد به خدا و جهان بینی خاص اسلام دارد. آیین بودا نیز عواملی را ذکر می‌کند که سبب رنج انسان

می‌شود که قبل از تولد و تا آخر زندگی و حتی زندگی‌های بعدی او را در برمی‌گیرد و برای رهایی از رنج راه هشتمانه را ذکر می‌کند. تفاوت دین اسلام و آیین بودا درباره رنج را باید در نوع نگاه این دو در مورد رنج و شادی و نوع نگاه این دو به مبدا و جهان هستی جستجو کرد.

تفاوت در مبدأشناسی: در دین اسلام و آموزه‌های آن، انسان و هستی دارای آغاز و سرانجامی هست که خداوند سرسلسله همه موجودات است و بازگشت همه موجودات به سوی خداست **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** (بقره، ۱۵۵). ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. **هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** (حدید، ۳). اول و آخر و ظاهر و باطن اوست و او از هر چیز آگاه است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: خدای تعالی بر هر چیزی که فرض شود قادر است، قهرا با احاطه قدرتش به هر چیزی از هر جهت محیط هم هست، پس هر چیزی که فرض شود اول باشد خدا قبل از آن چیز بوده، پس او نسبت به تمام ماسوای خود اول است، نه آن چیزی که ما اولش فرض کردیم و همچنین هر چیزی که ما آخرینش فرض کنیم خدای تعالی بعد از

آن هم خواهد بود، چون گفتیم قدرتیش احاطه به آن چیز دارد، هم به ماقبلش و هم به مابعدش، پس آخر خدا است، نه آن چیزی که ما آخرینش فرض کردیم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۹، ۱۴۵).

اما در آیین بودا درباره اعتقاد به خدا به عنوان مبدأ و سرچشمه هستی دو نظر وجود دارد: اول، بودا وجود خدا را انکار کرد و اساساً آیین بودا دینی بدون خداست (ارمسترانگ، ۱۳۸۳، ۲۴۵). دوم، بودا خداوند را آشکارا نه انکار و نه تصدیق کرد و در برابر سؤال از خداوند سکوت کرد (پاشایی، ۱۳۸۳، ۴۵۹). از این نوع برخورد در مورد خدا و اعتقاد به خدا به دست می آید که در دین بودائی اولیه هیچ اشاره ای به خدا وجود ندارد و دین بودائی اولیه دینی کاملاً انسان محور و انسان گرا است و از لحاظ ماهیتی اخلاقی است؛ و اگر نیروانا مرتبه کمال این آیین در نظر گرفته شود احتمالاً باید آن را این گونه تفسیر کرد که هر کس به مقام نیروانا دست یابد به مرتبه خدایی دست یافته، پس هر انسانی بالقوه یک خداست و خدا به این معنا واقعیت مشخصی نیست (تیواری، ۱۳۸۱، ۶۰ و ۶۱).

تفاوت در انسان شناسی: در دین

اسلام انسان پس از خدا اساسی ترین محور به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و کتاب های آسمانی برای رسیدن انسان به سعادت ابدی صورت گرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۲۱). در آیات قرآن مراتب آفرینش انسان بیان شده است و آخرین مرحله خلقت انسان نفخ روح در جسم انسان است؛ یعنی بعد از آنکه ساختمان جسمی کامل گشت عنصر دیگری به نام روح به آن افزوده می شود و انسان مرحله وجودی تازه ای پیدا می کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۶۵) و خداوند نفخ روح را با این جمله یاد می کند ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ (مومنون، ۱۴). پس انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که پس از مرگ، روح او به حیات خود ادامه می دهد و تا برپایی قیامت، در عالم برزخ زندگی خواهد داشت. در آیات قرآنی نیز به حیات برزخی انسان اشاره شده مانند این آیه وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (مومنون، ۱۰۰) این انسان با فطرت پاک و توحیدی آفریده شده است و به گونه ای اگر عوامل خارجی او را منحرف نکند راه حق را خواهد پیمود و هیچ فردی گناهکار و خطاکار به دنیا نمی آید. ما من مولود إلا یولد علی الفطرة (بیهقی، ۱۴۲۱ق،

ص ۳۴۱) خداوند این انسان را موجودی مختار و انتخاب‌گر آفریده، یعنی به سبب قوه عقلی که خداوند به انسان‌ها داده پس از بررسی جوانب فعل، انجام و یا ترک آن را برمی‌گزیند و این انسان در برابر اعمالی که انجام می‌دهد مسئول است و در جهان دیگر پاداش و یا کیفر اعمال خود را خواهد دید.

اما طبق آیین بودا انسان نه وجودی صرفاً مادی است و نه وجودی باروح ثابت و همیشگی در درون او، بلکه او مجموعه‌ای از پنج توده دل‌بستگی است که ترکیب آن‌ها انسان را تشکیل می‌دهد این پنج توده پیوسته در حال تغییر و تحول بوده و عبارت‌اند از: ماده، احساس، ادراک، تمایلات و گرایش‌ها و آگاهی. بودا که بر طبق نظریه گذرا بودن امور، به هیچ چیز ثابت و دائمی معتقد نمی‌باشد می‌گوید این پنج توده پیوسته در حال تغییر و تحول است، پس سؤال از وجود روح ثابت و دائمی در بشر بی‌معناست و آنچه را که روح نامیده می‌شود جریان گذرای لحظه‌های اندیشه و یا آگاهی است (تیواری، ۱۳۸۱، ۶۳ و ۶۴)؛ و انسان در این آیین مجموعه‌ای از آمدوشد در چرخه تناسخ است و اسیر این گردونه

است تا اینکه به سبب عمل به مراحل هشت‌گلنه از این گردونه خارج شده و به نیروانا می‌رسد.

نوع نگاه اسلام و بودا به تولد انسان: در دین اسلام تولد انسان و به وجود آمدن انسان از روی لطف و رحمت خداوند است که خداوند به این انسان نگاهی از روی لطف و مرحمت دارد که باعث تولد و به دنیا آمدن این انسان می‌شود و این انسان زندگی گذشته‌ای نداشته تا در زندگی فعلی او تأثیر بگذارد و سعی و کوشش خود او در سرنوشت و آینده او تأثیر خواهد داشت و نه چیز دیگر.

اما در آیین بودا تولد و به دنیا آمدن انسان حاصل نادانی اوست که اعمال خود را از روی دل‌بستگی انجام می‌دهد و نتیجه این دل‌بستگی این است که شخص باید دوباره متولد بشود و نتواند از زنجیره سنساره‌هایی پیدا کند. بودا تولد انسان را در زنجیره علی خود توضیح می‌دهد و در آنجا نشان می‌دهد که چگونه دل‌بستگی انسان باعث تولد دوباره او خواهد شد. در آیین بودا زندگی فعلی انسان نتیجه اعمال او در زندگی قبلی اوست که این زندگی می‌تواند پر از نعمت و خوشی باشد یا پر از رنج و ناگواری.

تکیه‌گاه انسان در برخورد با رنج‌ها و سختی‌ها: در آموزه‌های اسلامی اعتقاد به خداوند و تکیه بر خداوند کردن در برخورد با مصائب و سختی‌ها باعث آرامش انسان خواهد شد همان‌گونه که در قرآن به این امر اشاره شده است: الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸). و دوری از یاد خداوند باعث گرفتاری‌ها و سختی‌ها می‌شود: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا (طه، ۱۲۴)

اما در آیین بودا اعتماد و اتکای انسان برای رهایی از رنج اعتماد او به خودش است و تکیه‌گاهی در برخورد و مواجهه با رنج‌ها و شرور ندارد، انسان باید به واسطه تهذیب و تزکیه درونی به رهایی از رنج برسد.

رویکرد اسلام و بودا در مسئله شر و رنج و آلام: در دین اسلام پس از اثبات خدا و در دفاع از عدل الهی به طرح مسئله شرور و شبهات در این زمینه پرداخته‌اند و بی‌آنکه از مواضع خود درباره خدا و صفات خداوند عقب‌نشینی کنند به توجیه و پاسخ شبهات شرور پرداخته‌اند. مهم‌ترین پاسخ‌ها در این باب عبارت‌اند از عدمی بودن شر، نسبی بودن شر، شرور لازمه

تحقق خیرات، شر لازمه تکامل انسان (یوسفیان، ۱۳۹۰، ۱۴۴ تا ۱۵۷). پس در دین اسلام بحث از شر و رنج یک بحث عملی صرف نیست بلکه مباحث نظری نیز در آن راه دارد.

اما در آیین بودا، رویکرد بودا در مسئله رنج رویکردی کاملاً عمل‌گرایانه است و با شیوه‌ای علمی علت رنج را تشخیص داده و سپس به ارائه راه‌حل برای برون‌رفت از رنج می‌پردازد. در این آیین هیچ نوع زمینه‌ای برای رویکرد نظری وجود ندارد و از آنجاکه در این آیین خدای عالم، قدرتمند و خیرخواه وجود ندارد جای سؤال از اینکه چرا در این جهان شر و رنج وجود دارد نیست و از آنجاکه آیینی انسان‌گراست، رویکردی انسان‌گرایانه در مسئله شر و رنج دارد و غایت آن نجات انسان‌ها از شر و رنج بوده است (تیواری، ۱۳۸۱، ۶۶).

منشأ رنج و هدفمند بودن آن: در دین اسلام در مورد منشأ رنج که گاهی منشأ رنج خود انسان است و گاهی غیرارادی است و انسان در این رنج که به او رسد نقشی نداشته سخن به میان آمده و در هدفمندی رنج نیز مطلب بسیاری وجود دارد مانند اینکه این رنج ارتقاء مقام اوست یا برای آزمایش اوست و یا کفاره گناهان

مترتب بوده است. در مقایسه این دو در بحث رنج مشترکات و افتراقاتی نیز وجود دارد.

اوست برای پاک شدن از گناهان است. در حال که در آیین بودا منشأ رنج‌های انسان خود اوست که اعمال خود را از روی دل‌بستگی انجام می‌دهد و اگر این اعمال را از روی دل‌بستگی انجام ندهد زندگی بعدی وجود ندارد تا دوباره گرفتار رنج و سختی گردد. همچنین در این آیین در مورد رنج‌های ابتدایی که او نقشی در آن‌ها نداشته و اینکه آیا این رنج از روی هدف و غایتی به او رسیده و یا بدون دلیل است، سخنی نیامده است.

نتیجه‌گیری

هر دو دین اسلام و بودا به این مسئله پرداخته‌اند. در دین بودا علت رنج علت رنج تولد در این جهان است و تولد نیز به سبب خواسته و عطش ما برای چیزهای دنیوی است.

بودا برای راهایی از رنج راه هشتگانه را که به راه میلنه نیز معروف است ارلئه می‌دهد که این راه حاصل دو دوره زندگی اوست، نتیجه عمل به این راه رسیدن به نیروانا و رهایی از رنج است. در دین اسلام هم بحث رنج در مبحث شرور و حوادث به آن پرداخته شده است و این شرور و حوادث یا ارادی است و یا غیر ارادی. و شرور غیر ارادی عبث نبوده بر این شرور اهدافی

منابع

قران کریم

- ارمسترانگ، کرن، ۱۳۸۳ش، خداشناسی از ابراهیم تاکنون، ترجمه محسن سپهر، نشر مرکز، تهران، چاپ اول
- بیهقی، ابوبکر، ۱۴۲۱ق، قضاء و قدر، تحقیق محمد آل عامر، مکتبه العبیکان، ریاض، چاپ اول
- پاشایی عسکری، ۱۳۸۳ش، بودا، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ هشتم
- پاشایی ع، ۱۳۹۳ش، چرخ نیلوفر (گزیده متن‌های بودایی)، نشر ادیان، قم، چاپ اول
- ترابی، علی اکبر، ۱۳۴۷ش، تاریخ ادیان، انتشارات اقبال، تهران، چاپ دوم
- تیواری، کدرنات، ۱۳۸۱ش، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه دکتر مرضیه شنکایی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول
- جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، تفاسیر تسنیم، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۹، چاپ پنجم
- جعفری، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، منجی در آیین بودا، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، چاپ اول
- چاندرا چارترجی، ساتیش و موهانداتا، دریندا، ۱۳۸۴ش، معرفی مکتب‌های
- فلسفی هند، ترجمه فرناز ناظر زاده کرمانی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، چاپ اول
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و علی اکبر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید
- رادا کریشنان، سرو پالی، ۱۳۷۸ش، تاریخ فلسفه شرق و غرب، ترجمه خسرو جهاننداری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ قران، دار القلم و الدار الشامیه، بیروت و دمشق، چاپ اول
- ربانی گلیایگانی، علی، ۱۳۸۲ش، ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول
- سید بن طاووس، ۱۳۴۸ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، نشر جهان، تهران
- شایگان، داریوش، ۱۳۸۹ش، ادیان و مکاتب فلسفی هند، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم
- شیخ‌الرئیس، ابن‌سینا، ۱۳۷۵ش، اشارات و تنبیهات ابن‌سینا، انتشارات دار البلاغه، قم، چاپ اول

- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان
فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه
مدرسین، قم، چاپ پنجم
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، کتاب
التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی
محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ ق،
تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی،
انتشارات الصدر، تهران
- قدردان ملکی، محمد حسن، ۱۳۹۱ ش،
پاسخ به شبهات کلامی دفتر ششم: عدل
الهی، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و
اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول
- قدردان ملکی، محمد حسن، ۱۳۸۸ ش،
خدا و مسئله شر، انتشارات موسسه بوستان
کتاب، قم، چاپ سوم
- گرزالسکی، باروت، ۱۳۸۸ ش، فلسفه
بودا، مترجم ع پاشایی، نشر میترا، تهران،
چاپ اول
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق،
بحارالانوار، انتشارات دار احیاء تراث
العربی، بیروت، چاپ دوم
- محمدی، علی، ۱۳۸۷ ش، شرح کشف
المراد، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ
چهارم
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰ ش،
انسان‌شناسی در قرآن، انتشارات موسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ
سوم
- نرمان، ۱۳۸۶ ش، اصول روانشناسی،
ترجمه محمد ساعتچی، انتشارات امیرکبیر،
تهران
- نیوانو، نیکو، ۱۳۸۹ ش، آیین بودا در سوره
نیلوفر، ترجمه ع پاشایی، نشر ادیان، قم،
چاپ اول
- ویر، رابرت، ۱۳۸۴ ش، جهان مذهبی
(ادیان در جهان امروز)، ترجمه عبدالرحیم
گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،
چاپ اول
- یلوکا، نیانه، ۱۳۷۸ ش، سخن بودا،
مترجم ع پاشایی، نشر میترا، تهران، چاپ
اول از ویرایش دوم
- یوسفیان، حسن، ۱۳۹۰ ش، کلام جدید،
انتشارات سمت و انتشارات موسسه
آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تهران،
چاپ سوم